



امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم سال دوم تحصیلی ۹۵-۹۴

پایه پنجم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

ردیف:		
نام و نام خانوادگی:	نمره:	مست باکلی:
۲۰	۹۰ دقیقه	
شناسه یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

کد امتحان:	۲۹۴۲/۱۵
تاریخ:	۱۳۹۵/۰۳/۱۲
موضوع:	فقه استدلالی ۴
کتاب:	دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی
مورد:	جلد سوم: نکاح، طلاق (ص ۱۱-۱۲۲) و یمین، نذر و عهد (ص ۱۶۲-۱۴۹)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علی: شهرتان: استان:

۱- ما هو الجواب عن القول بأن جواز المتعة يتنافى لقوله تعالى: «و الذين هم لفروجهم حافظون الا على ازواجهم أو ما ملكت أيمانهم»؟ ص

۶۹

- الف. دخول المتعة في قوله تعالى «ما ملكت أيمانهم» ☐
 ب. ثبوت السنة القطعية المخالفة لعموم الآية ☐
 ج. دخول المتعة في الزواج ☒
 د. تخصيص الآية ☐

۲- ما هو حكم طلاق الصبي و وليه عنه؟ ص ۸۱

- الف. صحيح لو بلغ عشرين - صحيح ☐
 ب. صحيح - صحيح ☐
 ج. باطل - صحيح ☐
 د. باطل - باطل ☒

۳- ما هو الصحيح في تعريف المسترابة؟ ص ۸۲

- الف. من حاضت و لا تكون صاحب عادة في الحيض ☐
 ب. من كانت في سن من تحيض و لا تحيض ☒
 ج. من بلغ في سن من تحيض ☐
 د. من كانت يائسة ☐

۴- کدام مورد از مصادیق «طلاق بائن» می باشد؟ ص ۹۳

- الف. طلاق احدى الزوجات بلا تعيين المطلقة ☐
 ب. طلاق الصغيرة غير البالغة المدخول بها ☒
 ج. طلاق غير الحامل في طهر المقاربة ☐
 د. طلاق الخلع مع الرجوع فيما بذلت ☐

۵- دليل «تقييد وجوب الحداد بما اذا كانت الزوجة كبيرة عاقله» چیست؟ ص ۱۱۲ و ۱۱۳

- الف. الأصل العملي بعد قصور مقتضى له ☐
 ب. التمسك بالأخبار الخاصة الواردة في مورد ☐
 ج. لأن غيرها لا تكليف عليها و وجوب الحداد تكلفي ☒
 د. هجران الاصحاب للموثقة المشتملة على وجوبه عليها ☐

۶- کدام مورد از «شرایط خلع» نیست؟ ج ۳ ص ۱۱۵

- الف. كون الفداء أقل من المهر. ☒
 ب. بذل الزوجة للفداء عن طيب. ☐
 ج. عدم كراهة الزوج لزوجته. ☐
 د. كراهة الزوجة لزوجها. ☐

۷- ضمن ذکر دليل غير لفظی برای اعتبار صیغه در عقد نکاح ، توضیح دهید آیا در صیغه عقد می توان قبول را بر ایجاب مقدم نمود؟ چرا؟

ص ۱۶ و ۱۸ - ۲ نمره

جواب: الف. دليل غير لفظی، سیره متشرعه است به این بیان که در ارتکاز و فهم همه متشرعه این نکته وجود دارد که عقد نکاح محتاج صیغه است و این را همه نسل ها می فهمند و معلوم می شود چنین ارتکازی دست به دست و سینه به سینه از معصوم ^{علیه السلام} تلقی شده است. (۱ نمره)
 ب. بله، زیرا استفاده از قرآن کریم مطلوبیت تحقق نکاح است و این عنوان با تقدیم قبول بر ایجاب نیز صدق می کند. (۱ نمره)

۸- عبارت «لو لم يحصل بسبب الرضاع احد العناوين السبعة فلا يكون موجباً للتحريم و إن حصل بسببه عنوان خاص ملازم مع أحد تلك العناوين» را در ضمن مثالی توضیح دهید. (توضیح و تطبیق بر مثال منظور است و ترجمه کافی نیست). چهار مورد از عناوین سبعة را (که نسبت به ذکور از محارمند) نام ببرید. ص ۳۱ و ۴۳ - ۳ نمره

جواب: در نسب گاهی همراه با صدق عناوین هفت‌گانه فوق، عناوین دیگری نیز که ملازم آن‌ها می‌باشد صدق می‌نماید، لکن آن‌چه سبب محرمیت است، همان عناوین هفت‌گانه است نه آن عناوین ملازم. مثلاً هر یک از دو دختر نسبت به پسر محرمند و عنوان «بنت» صدق می‌کند. لکن هر یک عنوان دیگری هم که ملازم با عنوان «نسبت» دارند و آن عنوان «خواهر دختر» (اخت البنت) است. یعنی هر کدام خواهر دختر آن پدر است. لکن سبب محرمیت، دختر بودن است نه خواهر دختر بودن. حال در رضاع اگر عناوین ملازم صدق کند ولی آن عناوین هفت‌گانه صادق نباشد، محرمیت حاصل نمی‌شود. مثلاً اگر زنی پسری را شیر دهد، نسبت به برادران نسبی مرتضع، عنوان «برادر پسر» صدق می‌کند و آن‌ها برادران پسر رضاعی آن مرضعه می‌شوند اما عنوان «پسر رضاعی» را ندارند و چون عنوان «برادر پسر رضاعی» سبب محرمیت نیست. لذا آنان نسبت به مرضعه محرم نمی‌شوند. (۲ نمره)

عناوین سبعة نسبت به ذکور عبارتند از: مادر به بالا، دختر به پایین، خواهر (ابی یا ابویی یا امی)، عمه به بالا، خاله به بالا، دختر برادر به پایین و دختر خواهر به پایین. (ذکر ۴ مورد کافی می‌باشد) (هر مورد ۰/۲۵ نمره)

۹- مصنف پس از ذکر دو روایت ۱. «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الغلام يرضع الرضعة و الثنتين، فقال: لا يحرم فعددت عليه حتى أكملت عشر رضعات. فقال: إذا كانت متفرقة فلا.» و ۲. «لا يرحم الرضاع أقل من يوم و ليلة أو خمس عشرة رضعة متواليات.» درباره تعداد رضعات می‌فرماید: «إن التعارض مستقر و لا مرجح في البين فيلزم التساقط و الرجوع الى الأصل بلحاظ كل أثر بخصوصه». ص ۵۲ و ۵۳ - ۲ نمره

الف) چرا تعارض در اینجا مستقر است؟

جواب: از آن جا که در مثال فوق روایت اول معیار حرمت را ۱۰ بار شیر خوردن و روایت دوم ۱۵ بار شیر خوردن می‌داند (که لازمه دومی عدم حرمت با ۱۰ بار شیر خوردن است)، لذا نمی‌توان بین دو روایت از نظر مدلول جمع کرد و لذا تعارض مستقر است. (۱ نمره)

ب) با توجه به تعارض و تساقط روایات اصل عملی نسبت به صحت عقد علی من رضعت عشرا چیست؟ نتیجه اصل را ذکر کنید.

جواب: اصل عملی نسبت به صحت عقد، استصحاب عدم اثر بار می‌شود و در نتیجه حکم به فساد عقد می‌شود. (۱ نمره)

۱۰- طلاق مذکور در روایت: «إذا جمع الرجل أربعاً و طلق إحداهن فلا يتزوج الخامسة حتى تنقضي عدة المرأة التي تطلق و قال: لا يجمع ماؤه في خمس» چه نوع طلاق است؟ چرا؟ آیا می‌توان از عبارت «لا يجمع ماؤه في خمس» جواز نکاح با بیش از ۴ زن را به شرط عدم دخول به زن پنجم استنباط کرد؟ چرا؟ ص ۵۹ و ۶۰ - ۲ نمره

جواب: شامل طلاق بائن و رجعی هر دو می‌شود. زیرا روایت اطلاق دارد. (۱ نمره) از عبارت «لا يجمع ماؤه في خمس» جواز نکاح با بیش از ۴ زن را به شرط عدم دخول به زن پنجم استنباط نمی‌شود، زیرا مراد از این عبارت، معنای کنایی است و آن اصل ازدواج است نه وطی. (۱ نمره)

۱۱- با توجه به اختلاف روایات در مورد عده متعه، در یک روایت آمده است: «عدتها حیضتان» و در روایت دیگر: «عدة المتعة ان كانت تحيض فحيضة و ان كانت لا تحيض فشهري و نصف ...» پاسخ دهید: ص ۷۱ و ۷۲ - ۳ نمره

الف) آیا می‌توان روایت اول را حمل بر استحباب نمود؟ چرا؟

جواب: نمی‌توان روایت اول را حمل بر استحباب نمود، زیرا حمل بر استحباب در اوامر ارشادی ممکن نیست و به فرض ممکن باشد، باید لسان آن لسان امر باشد نه اخبار و در این جا اخبار است لذا حمل ممکن نمی‌باشد. (۱ نمره)

ب) مقتضای اصل عملی را در فرض تعارض و تساقط توضیح دهید.

جواب: مقتضای اصل عملی جاری در مورد شک در اینجا، استصحاب عدم ترتب اثر بر عقد در زمان شک می‌باشد و این اقتضای می‌کند که عده را دو حیض قرار دهیم. (۱ نمره)

ج) با فرض تعارض و تساقط آیا می‌توان برای حکم به صحت در زمان شک به آیه شریفه «و احل لكم ما وراء ذلكم» تمسک نمود؟

جواب: خیر، زیرا آیه شریفه بر عموم افرادی دلالت می‌کند نه بر عموم و شمول احوالی. (۱ نمره)

۱۲- دو روایت زیر را ترجمه کنید و با بیان نحوه جمع بین آن دو حکم مستفاد از آن را ذکر نمایید. ص ۸۴ و ۸۵ - ۲ نمره

الف) «الطلاق بيد من أخذ بالساق»:

جواب: طلاق به دست شوهر است. (معنای کنایی کافی است). (۰/۵ نمره)

ب) (قلت لابی عبد الله عليه السلام: «الرجل الاحمق الذاهب العقل يجوز طلاق وليه عليه؟ قال: ما اری ولیه إلّا بمنزلة السلطان»):

جواب: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: «آیا ولی مرد احمقی که عقلش زایل شده می‌تواند همسر او را طلاق دهد؟» امام فرمود: «من ولی او را جز به منزله سلطان (یعنی کسی که بر این کار سلطنت دارد) نمی‌بینم. (۰/۵ نمره)

جمع بین دو روایت: روایت اول مطلق است و طلاق را در همه حالات به دست شوهر می‌داند و روایت دوم مقید آن است. (۰/۵ نمره)

حکم مستفاد، جواز طلاق ولی مجنون خواهد بود. (۰/۵ نمره)

۱۳- سه صورتی که زوج حاضر را می‌توان بلافاصله پس از دخول طلاق داد، بنویسید. ص ۸۲ - ۱/۵ نمره

جواب: در سه صورت: اگر زن حامله باشد یا یائسه باشد یا صغیره‌ای باشد که به آن دخول شده است (اگر چه دخول حرام است).

۱۴- وجه مشترک و افتراق یمین و نذر در متعلق آن‌ها چیست؟ ص ۱۵۴ و ۱۵۶ و ۱۵۹ - ۱/۵ نمره

جواب: وجه مشترک: متعلق یمین و نذر باید امر راجح باشد. (۰/۷۵ نمره) وجه افتراق این است که متعلق یمین می‌تواند حتی به حسب مصالح شخصی نیز راجح باشد اما متعلق نذر باید فعلی باشد که اطاعت خداوند سبحان محسوب شود نه هر راجحی. (۰/۷۵ نمره)